

مطالعه کرده‌ام و استاد دانشگاه شدم، ولی هنوز به او اردت دارم، چون همه چیز نواب صفوی برای مردم بود و مظلومانه شهید شد.

۴] در نهایت اگر به گذشته برگردید بازهم این کار را انجام می‌دهید؟ به فرض این‌که شاید کیفی در کار نباشد.

دکتر فاطمی دو چهره دارد؛ یک چهره مربوط به اول دولت دکتر مصدق است و یک چهره موقع ۲۸ مرداد است.

دکتر فاطمی روز ۲۷ مرداد به میدان بهارستان آمد و گفت این دربار ننگین روی دربار سیاه فاروق را سفید کرد. دکتر فاطمی از شاه نشان همایونی گرفته بود اما آن را زمین زد و لگد کرد و گفت که هیچ‌گاه این نشان را بر سینه نزنده‌ام اما روز بعد درحالی‌که وزیر خارجه و مسئول بود به دربار آمد. مسأله شاه و دکتر فاطمی به خاطر عکس‌العمل‌ها و ناشی از غرض شخصی بود چون دکتر شایگان، مصدق و دکتر رجوی که نایب‌رئیس مجلس بود به سه سال حبس محکوم شد اما دکتر فاطمی را اعدام کردند.

مثل کریم یورشیرازی که وی را به‌خاطر انتقاداتش به دربار و خواهر شاه‌آتش زدند و حتی محاکمه نکردند و این موارد به خاطر برخورد شخصی آنها با دربار بود و دربار از اینها انتقام گرفت، نه به‌خاطر عقاید که اگر به‌خاطر عقاید بود پس مصدق و دکتر شایگان هم باید اعدام می‌شدند نه این‌که بعد از حبس به زندگی خود برگردند.



محمد مهدی عبدخدایی در گفت‌وگو با جام پلاس؛

«پهلوی» دیکتاتوری فاسد بود

گفت‌وگوی این هفته جام‌پلاس با محمدمهدی عبدخدایی تنها بازمانده سازمانی مذهبی، سیاسی و شبه‌نظامی به نام جمعیت فداییان اسلام است که به‌رغم عمر کوتاه، گام‌های بزرگی برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی برداشت و افراد شاخصی را که مانع تفکر انقلابی بودند، حذف کرد. عبدخدایی در این گفت‌وگو با روایت دیدار با همسر دکتر فاطمی و طلب حلالیت از وی از سرانجام روزنامه‌نگاران منتقدی می‌گوید که تنها دلیل حذف‌شان توسط دربار پهلوی، انتقاد به شاه و خواهرش بود. مشروح این گفت‌وگو در ادامه آمده است. شما مخاطبان عزیز می‌توانید متن و فیلم کامل این گفت‌وگو را از طریق سایت و حساب‌های جام‌چم در فضای مجازی مشاهده کنید.

مردم را روشن ساخت و بسیاری را به دنبال این خط سرخ، به مبارزه با طاغوت کشاند.

اگرچه فداییان اسلام سرکوب و به جوخه‌های اعدام سپرده شدند، ولی این امر مانع از آن نشد که یاد و خاطره آنان از ذهن مردم مسلمان حذف شود، بلکه تفکر آنها بارور شد و در دوره‌های بعد به شکوفایی رسید؛ به‌ویژه بعد از وقایع سال ۴۴ که اختناق روزبه‌روز شدت گرفته و از سال‌های ۵۰ به بعد به اوج خود رسید و دربار پهلوی با بدترین نوع شکنجه و بدرفتاری به مقابله با زندانیان سیاسی و مخالفان شاه پرداخت تا حدی که محاکمات کاملاً فرمایشی بود و ساواک بر دادگاه‌های نظامی حکم می‌راند.

اشاره: این روزها که به بزرگداشت جشن ۴۵ سالگی انقلاب نشسته‌ایم، باید یاد و خاطرات بزرگانی همچون شهید مبارز سیدمجتبی نواب‌صفوی را که از دهه‌ها قبل جرقه انقلاب اسلامی را زد و با انتشار برنامه حکومت اسلامی، بنیان‌های حکومت ایده‌آل مشروع دینی را به جامعه معرفی کرد، زنده کنیم تا نسل‌های بعد با عقاید این مفاز - که تمام همت خود را وقف نابودی دیکتاتوری پهلوی کرده و جان خود را در این مسیر نثار کردند - آشنا شوند. اکثر مبارزان و جهادگران در سال‌های مبارزه با رژیم شاه، تفکرات‌شان تحت‌تأثیر و نشأت‌گرفته از حرکت خالصانه، شجاعانه و قاطعانه فداییان اسلام بود و شهادت نواب و یارانش، بیش از پیش اذهان

امین مبینی
دبیر جام پلاس

۴] به نظر شما تورم بعد از انقلاب در کدام یک از دولت‌ها شدت یافت و این سیر ادامه دارد؟

تورم در زمان جنگ پیش آمد. اسکناس را بانک ملی چاپ می‌کرد و طبق قانون اساسی در دولت‌های قبل از انقلاب، وقتی می‌خواستند اسکناس چاپ کنند باید دو نفر نماینده مجلس ناظر این امر باشند اما در زمان دکتر مصدق که انگلیسی‌ها ایران را تحریم و تهدید به جنگ کردند، اسکناس چاپ شد و تورم پیش آمد. در آن زمان دکتر مصدق از رئیس‌بانک ملی خواسته بود که در زمان چاپ اسکناس آن دو نماینده مجلس حضور نداشته باشند و اسکناس چاپ کند. لذا دلار سه تومان و دو قرانی افزایش قیمت پیدا کرد و ۲۴ تومان شد و در ایران گرانی پیش آمد. ملی کردن صنعت نفت و تحریم هم از دیگر عوامل موثر بود. به نظر من دکتر مصدق هم تقصیری نداشت و ممکن بود که دو نفر نماینده مجلس مانع از این کار شوند و این دومین بار بود که اقتصاد کشور دچار تورم شد تا این‌که عراق به ما حمله کرد و موجودی اسکناسی ماکم شد.

من فکر می‌کنم دولت آقای میرحسین موسوی می‌خواست اسکناس چاپ کند و قانون نظارت دو نماینده مجلس همچنان ادامه دارد اما آقایان نژادامام راحل می‌روند و می‌گویند از قدرت ولایت فقیه استفاده کنید و اجازه دهید ما اسکناس چاپ کنیم و به این ترتیب این اقدام بدون اجازه مجلس در آن دولت انجام شد. اسام (ره) هم نمی‌دانستند قرار است اسکناس به این گسترده‌گی چاپ شود که اجازه این کار را دادند و بعدها خودشان بیان کردند که ما در جنگ خیلی اعمال را که چهره قانونی نداشت، انجام دادیم اما سعی می‌کنیم این کار را دیگر تکرار نکنیم ولی متأسفانه برخی کارها عرف و سنت می‌شود. همه می‌دانند تورم نتیجه چاپ اسکناس است و تورمی هم که در حال حاضر به وجود آمده، ریشه در این امر دارد. البته دولت می‌گوید تورم ۴۰ درصد بود و آن ۱۵ درصد کاهش داده‌ام. امکان دارد این اقدام در بالا انجام شده باشد اما نتیجه آن باید ملموس باشد و مردم تفاوت قیمت‌ها را احساس کنند.

تا جایی که اطلاع دارم کار دولتی را قبول نکردید و سعی کردید به‌طور خصوصی خودتان فعالیت داشته باشید و در مقطعی هم اقداماتی که انجام می‌دادید به‌دلایلی به ورشکستگی منجر شد. این امر به موضوع تورم مرتبط بود؟

فقط محدود به بخش تورم نیست، روالی که در ایران رخ داد در جهان هم صورت گرفته است. امروز ۷۵ درصد تجارت دنیا به دلار که یک کاغذ است، بستگی دارد. دولت آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم اعلام کرد طلا را از پشتوانه اسکناس خود برداشته و کارخانه‌ها و کارکنان پشتوانه اصلی دلار هستند. شما این مسأله را در نظر بگیرید که اگر قرار باشد یک پنجم این دلار به آمریکا برگردد و از آنها کالا بخواهند، آیا چنین امکانی وجود دارد؟ مطمئناً، نه زیرا دولت آمریکا ورشکسته شده و دلار را یا زور سرنیزه و ناوگان ششم و هشتم نگه داشته است. هرقد هم دنیا تلاش کند تا دلار را از صحنه خارج کند، نمی‌تواند. شما در نظر بگیرید چقدر دلار در منزل مردم و صرفای هاست؟ همه اینها بدون سرمایه است، چون آمریکا توان پرداخت این دلارا را به‌وسیله کالا و کارخانه ندارد، کمالین که ۷۵ درصد معاملات تجاری دنیا با دلار است و بوند، روبل و یورو نتوانسته جلوی آن بایستد، بنابراین در گام نخست، ملت‌ها باید فکری برای حذف دلار از صحنه کنند تا هر کشوری بتواند با پول ملی خود معامله کند.

۴] آیا اقدامات دولت سیزدهم در این راستا مطلوب است؟

چاره‌ای غیر از این وجود ندارد و باید این‌گونه شود. در تاریخ هر کشور و هر نسلی یک شکوفایی و پیروزی وجود دارد و پس از آن همه تمدن‌ها دچار افول می‌شوند. اعراب، یونانی‌ها و ایرانیان با همه قدرت‌شان دچار افول شدند و این خاصیت دنیا است. آمریکا هم باید این حقیقت را بپذیرد که افول این کشور آغاز شده و امیدواریم آمریکا افول کند.

۴] یکی از مباحثی که این روزها از سوی کسانی که زمان شاه را درک نکردند و منتقد وضع موجود هستند، این است که می‌گویند آن زمان خیلی بهتر بود و

مردم فروخت و از آن به‌عنوان یکی از کارهای خویش یاد می‌شود در حالی‌که پول آنها را از دولت گرفته بود و فروش همین زمین‌ها، مخارج ۱۰ میلیون دلاری محمدرضا را تأمین کرد. بنابراین در آن زمان هم فساد همین قدر بود ولی دیکتاتوری، مانع آشکار شدن آن می‌شد.

خاطره‌ای هم در این باره دارید؟

ایام محرم و صفر بود و من تازه از زندان آزاد شده بودم. شهید نواب صفوی می‌خواست ۱۰ روز در مسجد امام (مسجد شاه) روضه‌خوانی کند. آقای دکتر سید حسن امامی که فرد با سواد ی بود؛ هم حقوقدان بود و هم اجازه اجتهاد داشت و کتاب‌های حقوقی‌اش همچنان رفرنس است. تلفن زدند و می‌خواستند شهید نواب

زمانی که آقامحمدخان قاجار ایران را گرفت در گران جزء آق قویونلها یا قراقویونلها بود که با مغول‌ها به ایران آمد اما بعد‌ها ببینید که چقدر خانواده‌های قاجار املاک داشتند و این املاک از کجا آمده است؟ وقتی رضاخان از ایران می‌رفت ۴۵ هزار سند منگوله‌دار داشت و بعدا محمدرضا همین املاک کشاورزی را قسطنی به یاد می‌شود در حالی که پول آنها را از دولت گرفته بود و فروش همین زمین‌ها، مخارج ۱۰ میلیون دلاری محمدرضا را تأمین کرد



شرایطی که امروز داریم بد است و آن زمان فساد نبود و الان شاهد فساد اقتصادی هستیم.

غارت‌ها در زمان شاه هم اتفاق می‌افتاد؛ در دوره پهلوی نیز فساد بود اما دیکتاتوری اجازه افشای آن را نمی‌داد.

۴] می‌گویند این فسادها آن زمان نبود.

خبیر. در آن زمان هم فساد بود. فرمانداری‌ها و استانداری‌ها خرید و فروش می‌شد. طبق مطالعاتی که کردم این فسادها از زمان ناصرالدین‌شاه وجود داشت. رشوه در دیکتاتوری‌ها بیشتر است. آنهایی که وابسته به قدرت هستند، بیشتر رشوه می‌گیرند. زمانی‌که آقامحمدخان قاجار ایران را گرفت در گران جز آق قویونلها یا قراقویونلها بود که با مغول‌ها به ایران آمد اما بعد‌ها ببینید که چقدر خانواده‌های قاجار املاک داشتند و این املاک از کجا آمده است؟ وقتی رضاخان از ایران می‌رفت ۴۵ هزار سند منگوله‌دار داشت و بعدا محمدرضا همین املاک کشاورزی را قسطنی به

با توجه به اقدامی که در خصوص آقای فاطمی انجام دادید، الان که از خیابان فاطمی رد می‌شوید، از این کارتان خوشنود هستید یا ناراحت و پشیمان؟

آن زمان ۱۵ ساله بودم، پشیمان نیستیم و خوشحالم که گلوله به فاطمی اصابت نکرد. بعد از انقلاب من را به موزه وزارت خارجه بردند و آنجا کیف چرمی دکتر فاطمی را که دستش بود، دیدم که گلوله به کیف خورده و از آن طرف درنیامده است. اما چون جیبه ملی نتواند داشت، در دنیا جنجال درست کردند که فدائیان اسلام این کار را کردند. یاسپانی که محافظ دکتر فاطمی بود، می‌گوید حال دکتر فاطمی خوب است و غذا هم می‌خورد و وقتی دکترها می‌آیند، می‌گویند من را به خارج بفرستید. خانم بیروش سطوی، همسر دکتر فاطمی را آن زمان که دکتر احمدی نژاد ایشان را به ایران دعوت کرده بود، در هتل دیدم و با خودم فکر کردم که از این زن حلالیت بطلبیم؛ نه از بابت کاری که کرده بودم، بلکه از این لحاظ که ایشان در آن زمان جوان بود و مطمئناً وقتی این خبر را می‌شنود که شوهرش گلوله خورده، ناراحت می‌شود؛ پس به‌عنوان مسلمان از او طلب حلالیت کنم. نزد ایشان رفتم و خیلی برخورد خوبی با من داشتند. از او پرسیدم دکتر فاطمی را دیدید؟ گفت بله فردای آن روز دکتر فاطمی را دیدم و دست من را بوسید و گفت برای چن نتوانستم با شما تماس بگیرم، پرسیدم به دست‌شان سرنگ و سرم وصل بود؟ گفت خیر، با توجه به این‌که کیف دکتر فاطمی را دیده بودم، از او پرسیدم آیا گلوله به دکتر فاطمی خورده بود یا نه؟ گفت من به یاد ندارم و شما حافظه بهتری دارید و شاید به یاد داشته باشید. گفتم پدر شما برستپ سطوی بود و با برستپ مختاری کار می‌کرد، پس چطور شد که شما زن دکتر فاطمی شدید؟ گفت نمی‌دانم. در یک مجلس مهمانی با دکتر فاطمی آشنا شدیم. خیلی خوب با من برخورد کرد و برایم تاکسی گرفت و پول تاکسی را هم پرداخت کرد.

به خون ما آغشته نشده است. نواب صفوی هم شعر را خواند و گفت این پول‌ها به خون ما آغشته نشده است. ما بی پول هستیم، فقیر و گرسنه نیستیم و این پول‌ها از گلولی ما پایین نمی‌رود و به خون ما مخلوط نمی‌شود. اگر پول شخصی شماست، برای شما باشد. آقای امامی که امام جمعه تهران هم بود، همین‌طور خیره به نواب صفوی نگاه کرد و ما در شرایطی بودیم که ناهارمان اشکنه بود و مرحوم خلیل طهماسبی اشکنه را می‌آورد و می‌گفت دو تا حوله هم بیورایت تا در این آب شنا کنیم؛ این قدر که این غذای می‌واد بود. این‌طور زندگی می‌کرد!

۴] هنوز هم به شهید نواب صفوی ارادت دارید؟

یک خاطره دیگر بیان کنم؛ شهید عبدالحسین واحدی بیمار بود و شهید نواب صفوی نزد کرد اگر حال او خوب شود، یک روز عملگی کند. بیمار خوب شد و شهید نواب صفوی طبق قرار به منزل پیرزن بیوه‌ای که بنایی می‌کرد، رفت و نذرش را ادا کرد تا این‌که یک عده کوره‌پز به دیدن نواب صفوی آمدند و برایش دو قالیچه، یک لحاف کرسی و ۴۰۰۰ تومان هدیه آوردند. نواب صفوی شبانه پول را بین فقرای دولاپ تقسیم کرد و هر کدام از فرش‌ها را به خانه یکی از فقرا داد و گفت ما لحاف کرسی نیاز نداریم و دو لحاف را به هم سنجاق و استفاده می‌کنیم و لحاف کرسی را هم به پیرزنی بیوه داد. من این کارها را از نواب صفوی دیدم که شیفته او شدم. حتی هنوز که ۸۵ ساله هستم به او ارادت دارم. زمانی که نواب صفوی شهید شد، ۳۱ ساله بود و امروز من ۵۵ سال از او بزرگ‌تر هستم؛ بیشتر از قبل



برای مشاهده گزارش تصویری کیوآرکدرا اسکن کنید



برای مشاهده فیلم گفت‌وگو کیوآرکدرا اسکن کنید



برای خواندن متن کامل کیوآرکدرا اسکن کنید

۴] درست است که با دکتر فاطمی غرض شخصی داشتند اما بالاخره شما هم اقدام به ترور کردید.

به همین جهت دکتر فاطمی از من شکایت نکرد. شیخ عبدالحسین واحدی دو ملاقات با دکتر فاطمی انجام داد و دکتر فاطمی به وی گفت پرسعمره شما پهلوی من را سوراخ کردید.

واحدی در پاسخ گفت وظایف شرعی خود را انجام می‌دهیم. نصرت... قمی، دکتر زنگنه را ترور و دادگاه جنایی او را محکوم به اعدام کرد.

نصرت... قمی در زندان قصر هم‌اتاق نواب بود و شهید نواب‌صفوی برای این‌که او را اعدام نکنند به شاه نامه می‌نویسد تا یک درجه تخفیف به وی بدهند و فکر می‌کنند این نامه را چگونه و به‌وسیله چه کسی به شاه برسانند و به این نتیجه می‌رسند که نامه را به دکتر فاطمی داده و وی آن را به دکتر مصدق برساند تا زمانی که با شاه ملاقات می‌کند این نامه را به وی بدهد، بنابراین سید عبدالحسین واحدی به وزارت خارجه تلفن می‌زند و پشت تلفن می‌گوید من واحدی، مرد شماره ۲ فداییان اسلام هستم و آنها فورا تلفن را به وزیر خارجه وصل می‌کنند. دکتر فاطمی از سید عبد الحسین واحدی درخواست می‌کند برای ملاقات نزد فاطمی برود اما واحدی می‌گوید برای ملاقات نزد فاطمی می‌گویند که من وزارت‌خارجه می‌گویند که من کاشانی... می‌گویند آیت... کاشانی است و من فردا عصر به دیدن ایشان می‌روم و سپس در ماشین وزارت‌خانه با هم صحبت می‌کنیم. واحدی فردای آن روز به من تعریف کرد که با تاکسی جلوی بیمارستان بانک‌ملی رفتم و ۱۰ دقیقه ایستادم تا این‌که دکتر فاطمی از دیدار با آیت... کاشانی آمد و با من دست داد و من را به ماشین وزارت‌خارجه تعارف کرد و یک ساعت و نیم با دکتر فاطمی در شهر گشتیم و صحبت کردیم.

فاطمی می‌خواست به جلسه هیات وزیران برود. دم در خانه دکتر مصدق در خیابان کاخ پیاده شد و به من گفت حرف‌های خود را به مصدق برزنید و بگویید که چه کارها و بی‌مهری‌هایی شده است و من گفتم که عصبانی هستم و اگر بایام ممکن است نسبت به آقای دکتر مصدق عصبانی شوم لذا من به دولاپ می‌روم و از ایشان خداحافظی می‌کند و دفعه دوم هم دکتر فاطمی درخواست ملاقات با واحدی را می‌کند و به همین جهت دکتر فاطمی از من شکایت نمی‌کند.